



دوشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۲۹۷

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

درباره شعر سعدی

شاعر اگر سعدی شیرازی است یافته‌های من و تو بازی است سیدروح‌الله موسوی خمینی / پاسخ‌نامه خانم‌فاطمه طباطبایی دیوان امام صفحه ۳۱۴

برتر از ملک

یکی از وزرا پیش ذوالنون مصری رفت و همت خواست که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و به خیرش امیدوار و از عقوبتش ترسان. ذوالنون بگریست و گفت:اگر من خدای را -عز و جل - چنین پرستیدمی که تو سلطان راه،از جمله صدیقان بودمی. گر نبودی امید راحت و رنج پای درویش بر فلک بودی ور وزیر از خدا بترسیدی همچنان که ملک، ملک بودی

مصلح‌الدین سعدی شیرازی / کلیات سعدی - گلستان محمدعلی فروغی- انتشارات امیرکبیر صفحه ۶۳

می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکنند...

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما ای جوانان عجم! جان من و جان شما غوطه‌ها زد در ضمیر زندگی ندیشمام تا بعدست آوردهام افکار پنهان شما مهر و مه دیدیم؛ نگاهم برتر از پروین گذشت ریختم طرح حرم در کافرستان شما تا سناش تیزتر گردد، فرو پیچیدمش شعله‌ای آشفته بود اندر بیابان شما فکر رنگینم کند نذر نهی‌دستان شرق پاره لعلی که دارم از بدخشان شما می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکنند دیدهام از روزن دیوار زندان شما حلقه گرد من زبید ای پیکران آب و گل آتشی در سینه دارم از نیاکان شما

محمد اقبال لاهوری / اشعار فارسی اقبال لاهوری م. درویش - سازمان انتشارات جاویدان صفحه ۶

اینها معقول نیست!

حضرت اب‌تالله‌العظمی بهجت گاهی به عنوان طعن و طنز می‌گفتند:
بله! ماها برای تکلم خود دنبال چیزی می‌گردیم که نه خدا گفته باشد، نه پیغمبر می‌گوید
دنبال یک چنین چیزی می‌گردیم. خب! این کیتم که راه سعادت یک چیزی است که نه خدا گفته، نه پیغمبر، نه امام در صورتی که آنچه آنها بیشتر گفتند و بیشتر تأکید کرده‌اند آن موجب سعادت است.
چطور ممکن است چیزی بیشترین تأثیر را در سعادت انسان داشته باشد و آنها غفلت کرده باشند و نگفته باشند، واگذار کرده باشند به اینکه یک پیری، مرشدی، قطبی بیاید بیان بکند. آیا چنین چیزی ممکن است؟! و یا به چیزهایی تأکید کرده باشند که چندان اهمیتی نداشته باشد و درباره امور مهم، خیلی کم درباره‌اش گفت‌وگو شده یا با یک بیان مثلاً خیلی ساده‌ای گذشته باشند؟! اینها معقول نیست.

محمدتقی بهجت فومنی / فریادگر توحید موسسه تحقیقاتی فرهنگی ای‌بت هع»

صفحه ۶۴

آقای مارک تواین راست گفته بود

اگر کتاب سرگذشت تام سایر را نخوانده باشید مرا نمی‌شناسید اما میببی ندارد. این کتاب را آقای مارک تواین نوشته بود و هر چه گفته بود راست گفته بود. بعضی جاها را خیلی کشش داده بود اما روی هم رفته راست گفته بود. مهم نیست، من هیچ‌کس را ندیده‌ام که در عمرش دروغ نگفته باشد. آن کتاب این‌چور تمام می‌شود که من و تام، پولی که دردها در غار پنهان کرده بودند را پیدا می‌کنیم و ثروتمند می‌شویم. به هر کدام از ما ۶ هزار دلار رسید؛ دلار طلا. وقتی که پول‌ها را روی هم می‌ریختم راستی تماش داشت اما قاضی تجسر پول‌ها را گرفت و به تنزیل داد که در تمام سال، روزی یک دلار گیر هر کدام‌مان بیاید. و این یک دلار از سر ما هم زیاد بود.زن دوگلاس که شوهرش مرده بود، مرا به پسری برداشت و گفت تربیتش می‌کند اما همیشه نوبی خانه بیوه ماندن سخت بود، چون نمی‌دانید این بیوه زن در همه کارهایش چه‌جور مرتب و معقول بود، و برای همین وقتی که دیدم دیگر طاقث ندارم، زدم زیرش. دوباره پاره‌پوره‌های خودم را پوشیدم و آزاد و سرحال شدم اما تام سایر دنبال من آمد و گفت می‌خواهد یک دسته راه بیندازد و اگر من هم دوباره پیش بیوه برگردم و بچه معقولی بشوم، می‌توانم توی دسته او بروم. من هم برگشتم. بیوه مرا که دید، زد زیر گریه و به من گفت: بره کوچولو! گمشده من و چه چیزهای دیگر که به من نگفت اما از این حرف‌ها قصد بدی نداشت. بیوه دوباره لباس‌های نو تن من کرد و من بار دیگر نمی‌توانستم کاری کنم جز اینکه می‌خون جگر بخورم و خون جگر بخورم و دمم را لای تله بینیم. باری وقتی که این‌جور شد، باز روز از نو و روزی از نو...

مارک تواین/ هکلبری فین ابراهیم گلستان - انتشارات آگاه صفحه ۹

حضرت امیر المومنین(ع):

وقتی کسی پی برد که دوستش به چیزی نیازمند است، باید قبل از درخواست نیاز او را بر طرف کند و او را وادار به سؤال و درخواست نکند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر‌عامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

فیلم «رها» با پرهیز از نمایش گری، تجربه‌ای درونی

و تأثیرگذار از روان انسان ارائه می‌دهد

درون‌گرایی

فیلم «رها» ساخته رضا دادویی با بازی درخشان شهاب حسینی، یکی از آثار قابل تأمل سینمای ایران در سال‌های اخیر است که در سگوتی کم‌سابقه و با پرهیز از نمایشگری‌های مرسوم، به بازآفرینی نوعی زیست روانی درونی و سرکوب‌شده در لایه‌های میانی جامعه ایرانی می‌پردازد. این فیلم، بیش از آنکه روایتگر داستانی پر کشش یا حادثه‌محور باشد، کوششی است برای کندوکاو در زوایای پنهان ذهن انسان که میان خواستن و ناتوانی، میان فرار و تعهد و میان ترس و آزادی در نوسان است. از همین رو «رها» را باید نه صرفاً یک فیلم داستانی، بلکه تجربه‌ای سینمایی دانست که مخاطب را به سطحی از همذات‌پنداری عمیق و در عین حال متزلزل دعوت می‌کند. فیلم‌نامه فیلم با آنکه در ظاهر ساده و خطی به نظر می‌رسد، از عمقی بر خوردار است که با مهارت در روایت، به‌تدریج لایه‌های روانی شخصیت‌ها را باز می‌کند. فیلم‌نامه‌نویس با پرهیز از حشو و اضافات، موقعیت‌هایی را خلق می‌کند که هر کدام نه فقط گرهی دراماتیک، بلکه بازتابی از کشاکش‌های درونی کاراکترها هستند. در مرکز این ساختار، شخصیت اصلی – بازی شهاب حسینی – ایستاده که گذشته‌ای مبهم، آینده‌ای ناپیدا و اکنونی مملو از تعلیق دارد. آنچه فیلم را از کلیشه آثار روان‌کاوانه ایرانی دور می‌سازد، انضباط فیلم‌نامه در عدم توضیح دادن بی‌مورد و واگذاشتن فضولت به مخاطب است. نه‌تقصیرها مشخص‌اند، نه آسیب‌ها روایت می‌شوند و نه حتی رستگاری در پایان روشن می‌شود. این تعلیق روایی، نه ضعف که نقطه قوت فیلم است و آن را از دام روایت‌های موعظه‌گر نجات می‌دهد. فیلم با ظرافت، تماشاگر را به درون ذهن شخصیت‌ها می‌کشاند؛ ذهن‌هایی پر از شک، اضطراب، وسوسه و تمنای رهایی. این «هایی» البته نه از نوع متعالی و عرفانی آن، بلکه رهایی‌ای ابزورد و محصور در تناقضات است. شخصیت اصلی – که در تقابل‌های درونی‌اش گیر افتاده – نه قهرمانی کلاسیک است و نه ضدقهرمانی فاسد، بلکه انسانی است در آستانه فروریزی بازسازی. و این برخ و وجودی، با منطق سرد و بی‌رحم فیلم‌نامه نه‌تنها حفظ می‌شود، بلکه تا لحظه پایانی تعمیق می‌یابد. کارگردانی دادویی در «رها» تلفیقی هوشمندانه از حداقل‌گرایی بصری و هدایت درونی بازیگران است. او به خوبی می‌داند که سوزِش را نباید در هیاهوی بصری و قالب‌بندی‌های متظاهرانه غرق کند. از این‌رو قالب‌ها عمدتاً بسته، مضطرب و تأکیدگر هستند. استفاده از نور طبیعی، بافت‌های شهری خاموش و فضاهای بسته‌ای که به جای تنش‌زایی، القاگر خفقتن ذهنی هستند، از ویژگی‌های بارز زبان بصری فیلم است. کارگردان به جای آنکه مخاطب را با عناصر بیرونی مرعوب کند، او را در فضای روانی و درونی شخصیت‌ها غرق می‌سازد. این وفاداری به منطق شخصیت‌محور، نه‌تنها نشانگر تسلط دادویی بر روایت روان‌شناختی است، بلکه گواهی است بر اعتماد او به توانایی سینما در انتقال احوال درونی بدون نیاز به افراط‌های فرمی. یکی از نقاط در خشان فیلم، بی‌شک بازی شهاب حسینی است. او در «رها» نقش مردی را بازی می‌کند که در موقعیتی فرساینده از انتظار، ترس و خاطرات محو گرفتار آمده است. آنچه بازی او را بر جسته می‌سازد، نه فوران‌های احساسی یا دیالوگ‌های برطمطراق، بلکه سکوت‌ها،



به بازآفرینی نوعی زیست روانی درونی و سرکوب‌شده در لایه‌های میانی جامعه ایرانی می‌پردازد. این فیلم، بیش از آنکه روایتگر داستانی پر کشش یا حادثه‌محور باشد، کوششی است برای کندوکاو در زوایای پنهان ذهن انسان که میان خواستن و ناتوانی، میان فرار و تعهد و میان ترس و آزادی در نوسان است. از همین رو «رها» را باید نه صرفاً یک فیلم داستانی، بلکه تجربه‌ای سینمایی دانست که مخاطب را به سطحی از همذات‌پنداری عمیق و در عین حال متزلزل دعوت می‌کند. فیلم‌نامه فیلم با آنکه در ظاهر ساده و خطی به نظر می‌رسد، از عمقی بر خوردار است که با مهارت در روایت، به‌تدریج لایه‌های روانی شخصیت‌ها را باز می‌کند. فیلم‌نامه‌نویس با پرهیز از حشو و اضافات، موقعیت‌هایی را خلق می‌کند که هر کدام نه فقط گرهی دراماتیک، بلکه بازتابی از کشاکش‌های درونی کاراکترها هستند. در مرکز این ساختار، شخصیت اصلی – بازی شهاب حسینی – ایستاده که گذشته‌ای مبهم، آینده‌ای ناپیدا و اکنونی مملو از تعلیق دارد. آنچه فیلم را از کلیشه آثار روان‌کاوانه ایرانی دور می‌سازد، انضباط فیلم‌نامه در عدم توضیح دادن بی‌مورد و واگذاشتن فضولت به مخاطب است. نه‌تقصیرها مشخص‌اند، نه آسیب‌ها روایت می‌شوند و نه حتی رستگاری در پایان روشن می‌شود. این تعلیق روایی، نه ضعف که نقطه قوت فیلم است و آن را از دام روایت‌های موعظه‌گر نجات می‌دهد. فیلم با ظرافت، تماشاگر را به درون ذهن شخصیت‌ها می‌کشاند؛ ذهن‌هایی پر از شک، اضطراب، وسوسه و تمنای رهایی. این «هایی» البته نه از نوع متعالی و عرفانی آن، بلکه رهایی‌ای ابزورد و محصور در تناقضات است. شخصیت اصلی – که در تقابل‌های درونی‌اش گیر افتاده – نه قهرمانی کلاسیک است و نه ضدقهرمانی فاسد، بلکه انسانی است در آستانه فروریزی بازسازی. و این برخ و وجودی، با منطق سرد و بی‌رحم فیلم‌نامه نه‌تنها حفظ می‌شود، بلکه تا لحظه پایانی تعمیق می‌یابد. کارگردانی دادویی در «رها» تلفیقی هوشمندانه از حداقل‌گرایی بصری و هدایت درونی بازیگران است. او به خوبی می‌داند که سوزِش را نباید در هیاهوی بصری و قالب‌بندی‌های متظاهرانه غرق کند. از این‌رو قالب‌ها عمدتاً بسته، مضطرب و تأکیدگر هستند. استفاده از نور طبیعی، بافت‌های شهری خاموش و فضاهای بسته‌ای که به جای تنش‌زایی، القاگر خفقتن ذهنی هستند، از ویژگی‌های بارز زبان بصری فیلم است. کارگردان به جای آنکه مخاطب را با عناصر بیرونی مرعوب کند، او را در فضای روانی و درونی شخصیت‌ها غرق می‌سازد. این وفاداری به منطق شخصیت‌محور، نه‌تنها نشانگر تسلط دادویی بر روایت روان‌شناختی است، بلکه گواهی است بر اعتماد او به توانایی سینما در انتقال احوال درونی بدون نیاز به افراط‌های فرمی. یکی از نقاط در خشان فیلم، بی‌شک بازی شهاب حسینی است. او در «رها» نقش مردی را بازی می‌کند که در موقعیتی فرساینده از انتظار، ترس و خاطرات محو گرفتار آمده است. آنچه بازی او را بر جسته می‌سازد، نه فوران‌های احساسی یا دیالوگ‌های برطمطراق، بلکه سکوت‌ها،

فیلم «رها» ساخته رضا دادویی با بازی درخشان شهاب حسینی، یکی از آثار قابل تأمل سینمای ایران در سال‌های اخیر است که در سگوتی کم‌سابقه و با پرهیز از نمایشگری‌های مرسوم، به بازآفرینی نوعی زیست روانی درونی و سرکوب‌شده در لایه‌های میانی جامعه ایرانی می‌پردازد. این فیلم، بیش از آنکه روایتگر داستانی پر کشش یا حادثه‌محور باشد، کوششی است برای کندوکاو در زوایای پنهان ذهن انسان که میان خواستن و ناتوانی، میان فرار و تعهد و میان ترس و آزادی در نوسان است. از همین رو «رها» را باید نه صرفاً یک فیلم داستانی، بلکه تجربه‌ای سینمایی دانست که مخاطب را به سطحی از همذات‌پنداری عمیق و در عین حال متزلزل دعوت می‌کند. فیلم‌نامه فیلم با آنکه در ظاهر ساده و خطی به نظر می‌رسد، از عمقی بر خوردار است که با مهارت در روایت، به‌تدریج لایه‌های روانی شخصیت‌ها را باز می‌کند. فیلم‌نامه‌نویس با پرهیز از حشو و اضافات، موقعیت‌هایی را خلق می‌کند که هر کدام نه فقط گرهی دراماتیک، بلکه بازتابی از کشاکش‌های درونی کاراکترها هستند. در مرکز این ساختار، شخصیت اصلی – بازی شهاب حسینی – ایستاده که گذشته‌ای مبهم، آینده‌ای ناپیدا و اکنونی مملو از تعلیق دارد. آنچه فیلم را از کلیشه آثار روان‌کاوانه ایرانی دور می‌سازد، انضباط فیلم‌نامه در عدم توضیح دادن بی‌مورد و واگذاشتن فضولت به مخاطب است. نه‌تقصیرها مشخص‌اند، نه آسیب‌ها روایت می‌شوند و نه حتی رستگاری در پایان روشن می‌شود. این تعلیق روایی، نه ضعف که نقطه قوت فیلم است و آن را از دام روایت‌های موعظه‌گر نجات می‌دهد. فیلم با ظرافت، تماشاگر را به درون ذهن شخصیت‌ها می‌کشاند؛ ذهن‌هایی پر از شک، اضطراب، وسوسه و تمنای رهایی. این «هایی» البته نه از نوع متعالی و عرفانی آن، بلکه رهایی‌ای ابزورد و محصور در تناقضات است. شخصیت اصلی – که در تقابل‌های درونی‌اش گیر افتاده – نه قهرمانی کلاسیک است و نه ضدقهرمانی فاسد، بلکه انسانی است در آستانه فروریزی بازسازی. و این برخ و وجودی، با منطق سرد و بی‌رحم فیلم‌نامه نه‌تنها حفظ می‌شود، بلکه تا لحظه پایانی تعمیق می‌یابد. کارگردانی دادویی در «رها» تلفیقی هوشمندانه از حداقل‌گرایی بصری و هدایت درونی بازیگران است. او به خوبی می‌داند که سوزِش را نباید در هیاهوی بصری و قالب‌بندی‌های متظاهرانه غرق کند. از این‌رو قالب‌ها عمدتاً بسته، مضطرب و تأکیدگر هستند. استفاده از نور طبیعی، بافت‌های شهری خاموش و فضاهای بسته‌ای که به جای تنش‌زایی، القاگر خفقتن ذهنی هستند، از ویژگی‌های بارز زبان بصری فیلم است. کارگردان به جای آنکه مخاطب را با عناصر بیرونی مرعوب کند، او را در فضای روانی و درونی شخصیت‌ها غرق می‌سازد. این وفاداری به منطق شخصیت‌محور، نه‌تنها نشانگر تسلط دادویی بر روایت روان‌شناختی است، بلکه گواهی است بر اعتماد او به توانایی سینما در انتقال احوال درونی بدون نیاز به افراط‌های فرمی. یکی از نقاط در خشان فیلم، بی‌شک بازی شهاب حسینی است. او در «رها» نقش مردی را بازی می‌کند که در موقعیتی فرساینده از انتظار، ترس و خاطرات محو گرفتار آمده است. آنچه بازی او را بر جسته می‌سازد، نه فوران‌های احساسی یا دیالوگ‌های برطمطراق، بلکه سکوت‌ها،

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۴
تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۳
نمبر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پيام‌سان: vatanemrooz@
بست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



نادر که تماشاگر را به حال خود رها می‌کند تا با آنچه دیده، زیسته و فهمیده، به گفت‌وگو بنشینند. این راه‌سازی البته نه بی‌مسئولیتی است و نه بی‌محتوایی، بلکه شکلی از دعوت به تأمل است که از دل سینمای مؤلف بیرون می‌آید. نکته درخشان دیگر فیلم، دوری از هرگونه شعارزدگی یا کلی‌گویی درباره رنج و بحران است. «رها» تلاش نمی‌کند یک بحران اجتماعی را بهانه قرار دهد تا تصویری اغراق‌شده از رنج بسازد. برعکس، فیلم با نوعی فروتنی، از نمایش مستقیم آسیب‌ها پرهیز کرده و تنها با نشانه‌هایی مختصر، مخاطب را به تماشای روان‌پریشی انسانی دعوت می‌کند که از درون فرسوده شده است. این نوع روایت، هم به شخصیت‌پردازی عمق بیشتری

انرژی در مسیر بورس‌بازی

می‌برد که در زمره حیاتی‌ترین و راهبردی‌ترین امور ملی است.
ضرورت حرکت به سوی «قیمت‌گذاری پلکانی»

در این میان، پیشنهاد «اصلاحات قیمت پلکانی و تبعیض قیمتی» به مراتب معقول‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد، چرا که دولت کماکان می‌تواند ابزار راهبردی و مدیریتی خود را حفظ کند و با مدیریت هوشمند قیمت‌ها بر اساس سطوح مختلف مصرف، خانوارها و صنایع را به کاهش اتلاف انرژی تشویق کند و به سمت اجرای طرح‌های ملی گام بردارد. در یک کالای راهبردی نظیر انرژی، نقش دولت صرفاً سلبی نیست، بلکه حاکمیت باید بنا بر منافع ملی و ملاحظات اجتماعی وارد عمل شود و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای صنایع، خانوارها و کلیت ساختار اقتصادی را فراهم کند. قیمت‌گذاری پلکانی، ضمن اینکه هزینه اضافی را بر مصرف غیراصولی و بیش از الگوی استاندارد تحمیل می‌کند، به گروه‌های کم‌مصرف و کم‌درآمد فرصت می‌دهد با اصلاح الگوی مصرف، بار مالی خود را کنترل کنند و حتی از مزایای عدم اسراف و گواهی صرفه‌جویی بهره‌مند شوند. این در واقع همان نتیجه‌ی طرح «توزیع یکسان سهمیه برق و گاز» را در پی خواهد داشت.

می‌دهد و هم به تماشاگر مجال همدلی می‌بخشد.

در پایان باید گفت «رها» یکی از نمونه‌های موفق سینمای شخصیت‌محور در سال‌های اخیر است که با اتکا به بازی‌های درونی، روایت غیرخطی ولی منسجم و کارگردانی دقیق و خوبشتندار، تجربه‌ی تأثیرگذار و درخور توجه را خلق می‌کند؛ فیلمی که برخلاف جریان غالب سینمای حادثه‌محور یا مضمون‌زده، بر قدرت سکوت، تعلیق و حضور فروتنانه بازیگرش تکیه دارد تا تصویری انسانی، بغرنج و در عین حال امیدبخش از امکان تغییر را پیش چشم ما بگذارد. «رها» اگرچه داستانی از کم‌گشتگی است اما خود راهی است به سوی نوعی زیست آگاهانه‌تر و شاید همین، مهم‌ترین پیروزی فیلم باشد.

■ **جمع‌بندی**

امروز اصلاح مصرف انرژی در ایران یک ضرورت انکار‌ناپذیر است اما روشی که انتخاب می‌کنیم، تعیین‌کننده سرنوشت اقتصاد و معیشت مردم خواهد بود. گرایش دولت به ایده «بازاری‌سازی» و «واگذاری قیمت‌گذاری برق و گاز به بورس‌بازی» در شرایطی که ثبات اقتصادی و وضعیت بازارها مناسب نیست، نه‌تنها می‌تواند به تورم افسارگسیخته در حوزه انرژی منجر شود، بلکه به سمت اجرای طرح‌های ملی گام بردارد. در یک کالای راهبردی نظیر انرژی، نقش دولت صرفاً سلبی نیست، بلکه حاکمیت باید بنا بر منافع ملی و ملاحظات اجتماعی وارد عمل شود و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای صنایع، خانوارها و کلیت ساختار اقتصادی را فراهم کند. قیمت‌گذاری پلکانی، ضمن اینکه هزینه اضافی را بر مصرف غیراصولی و بیش از الگوی استاندارد تحمیل می‌کند، به گروه‌های کم‌مصرف و کم‌درآمد فرصت می‌دهد با اصلاح الگوی مصرف، بار مالی خود را کنترل کنند و حتی از مزایای عدم اسراف و گواهی صرفه‌جویی بهره‌مند شوند. این در واقع همان نتیجه‌ی طرح «توزیع یکسان سهمیه برق و گاز» را در پی خواهد داشت.

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲